اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و بیست و دوم)

هوش زیر کلاغی (بخش هشتم)

معنویت یا علم و ثروت (قسمت ۳)

کَبَد (سختی های نظام رحمانی)

خدای مهربان و حکیم می فرماید که لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي **كَبَدٍ** **یعنی ما انسان را در سختی و رنج آفریدیم. در قرآن، کَبَد به عنوان سختی های نظام رحمانی بکار برده شده است.**

کَبَد = سختی ها و رنج های نظام رحمانی

این کلمه معنای بسیار جالبی را در خود نهفته دارد که بیشتر مشکلات بشریت از انحراف این نکته پیش آمده است. آیه لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي **كَبَدٍ** **به آن معنا نیست که نعوذبالله خدای قادر توانا، انسان را به سختی آفریده است؛ بلکه به این معناست که**

از همان اول، سرشت انسان با سختی و رنج چیده شده است. انسان نباید سختی ها و رنجهای نظام رحمانی را در زندگی خود حذف کند. تحمل این نوع سختی هاست، که انسان را درمان میکند. سختی های نظام رحمانی را با سختی هایی که انسان خودش، برای خودش پیش می آورد، نباید اشتباه گرفت.

این یک واقعیت است که اکثر انسانها تقریبا همیشه بیمار هستند، بعضی مواقع جسمی و بعضی مواقع روانی. متاسفانه مردم دیگر زیر نور آفتاب نمی روند و یا با انواع ضد آفتاب ، اثرات مفید آن را خنثی میکنند. جالب است که این نوع محافظت را ضدیت! با آفتاب نامگذاری کرده اند.

یا مردم در تابستان همیشه کولر روشن میکنند و به این طریق با گرمای تابستان ضدیت میکنند. یا در زمستان نمیخواهند سرما را حس کنند و همیشه کنار بخاری هستند. مردم دیگر پیاده روی نمی کنند و مسافتهای کوتاه را هم با ماشین طی میکنند. اینها به نوعی ضدیت با سختی های نظام رحمانی است. نظام رحمانی یک سری سختی های طبیعی دارد که نباید با آن مقابله کرد و این سختی ها سازنده است و عدم اجرای آن یا ضدیت و مقابله با آن، انسان را بیمار جسمی و یا روانی میکند. این نوع سختی هاست که به انسان صبر، مقاومت، بردباری می آموزد.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾

براستی که انسان را در رنج و سختی آفریده ایم (۴)

ضدیت با نظام رحمانی، هزینه های زیادی دست انسان می گذارد. این هزینه ها، پول به هدر دادن است. جالب است که در تائید این نکته، آیه بعدی در مورد تلف کردن مال فراوان صحبت می فرماید. انسان فکر میکند که با ضدیت علیه سختی های نظام رحمانی، امنیت یافته است، ولی در واقع بدون آن که خود بداند، خودش را وارد محوطه خطر و قرمز کرده است.

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾ آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت (۵)
يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ﴿٦﴾ گوید مال فراوانی تباه کردم (۶)

انسانها نسبت به کسانی که آنان را به نظام رحمانی راهنمایی کنند ، نفرت پیدا میکنند. آنان نسبت به کسی که آنان را در نظام رحمانی نگهدارد و توصیه به ماندن در آن و یا توصیه به تحمل سختی های آن کند، کینه توزی میکنند. آیه زیر به این نکته اشاره دارد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ﴿٦٠﴾

و چون به آنان گفته شود [خدای] رحمان را سجده کنید می گویند رحمان چیست آیا برای چیزی که ما را [بدان] فرمان می دهی سجده کنیم و بر رمیدنشان می افزاید (۶۰)

مردم نسبت به کسانی که آنان را به سمت نظام رحمانی راهنمایی کنند، نفرت پیدا میکنند. زیرا آنان مخالف سختی های نظام رحمانی هستند و آن را نمی پذیرند. مردم رفاه را با حذف سختی های نظام رحمانی برابر میدانند که این اشتباه مهلکی است. رعایت نظافت و اصول بهداشتی خیلی خوب است ولی زیر آفتاب نرفتن و خاکی نبودن و همیشه زیر کولر بودن و یک سری راحتی های دیگر و زیاده روی در اینها که مخالف نظام رحمانی است؛ از بین برنده سلامتی انسانهاست. بیشتر مخالفت انسانها با دستورات قرآن، بخاطر این است که قرآن آنان را به سمت چیزهایی دعوت میکند که ابتدا برایشان کمی سخت است و در نتیجه مردم نسبت به آن دستورات نفرت پیدا میکنند. مردم به اشتباه رفاه را ضدیت با کَبَد ها و سختی های نظام رحمانی تعریف میکنند. آنها برای از بین بردن این سختی ها، هزینه میکنند و پول خود را در این راه تلف میکنند و هزینه های زیادی دست خود می گذارند.

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿۴۱﴾

و به راستی ما در این قرآن [حقایق را] گونه گون بیان کردیم تا پند گیرند و[لی] آنان را جز نفرت نمی افزاید (۴۱)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿۴۲﴾

و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر هرآینه هشداردهنده ای برای آنان بیاید قطعا از هر يك از امتها[ی دیگر] راه‌یافته تر شوند و[لی] چون هشداردهنده ای برای ایشان آمد جز بر نفرتشان نیفزود (۴۲)

همیشه کسانی که مردم را به سمت نظام رحمانی راهنمایی کنند، مردم از آنان نفرت پیدا میکنند. بیشتر مردم نصیحت کنندگان را دوست ندارند.

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ ﴿۷۹﴾

پس [صالح] از ایشان روی برتافت و گفت ای قوم من به راستی من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم ولی شما [خیرخواهان و نصیحتگران] را دوست نمی دارید (۷۹)

قرآن کتاب معتدلی است و دستوراتی را بیان می فرماید که برای ما انسانها قابل اجرا باشد. قابل ذکر است که خدای مهربان به ما انسانها توصیه فرموده است که نصیب خود را از دنیای فانی فراموش نکنیم و از نعمتهای آن بطور معتدل و بدون اسراف استفاده کنیم (وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا**).**

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿۷۷﴾

و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنانکه خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی دارد (۷۷)

افراد زیادی در تاریخ، لایف استایل زندگی خود (طریقت زندگی) را از این قاعده قرآنی منحرف کردند و خیلی به مال دنیا چسبیدند و به آنچه خدا برای آنها در نظر گرفته بود رضایت ندادند و یا اینکه کلا تارک دنیا شدند و دور همه چیز را خط کشیدند. خدای حکیم هیچکدام از این دو روش را قبول ندارد. روش میانه ای مورد قبول خداست که نصیب خود از دنیا را فراموش نکنید و همچنین غرق مال دنیا هم نشوید. طریقت و لایف استایل زندگی باید دقیقا طبق آنچه که قرآن فرموده است باشد. خدا خیلی اصرار دارد که سختی های نظام رحمانی در طریقت و لایف استایل زندگی به بهانه رفاه حذف نشود. همچنین به بهانه اعتکاف و عزلت نشینی، نباید نصیب خود از دنیا را فراموش کرد.

براساس آیه قرآنی؛ کسی ثروتمند واقعی است که سبک زندگی او طوری باشد که در این دنیا خوف و حزن نداشته باشد. هدف از فرستاده شدن انسانها به زمین هم همین است. تمام ماجرای این دنیا در همین دو آیه خلاصه میشود:

يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٥﴾

ای فرزندان آدم چون پیامبرانی از خودتان برای شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند پس هر کس به پرهیزگاری و صلاح گراید نه بیمی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین می شوند (٣٥)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾

و کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند و از [پذیرش] آنها تکبر ورزیدند آنان همدم آتشند [و] در آن جاودانند (۳۶)

تمام مشکلات بشریت در داشتن خوف و حزن است. ثروتمند واقعی کسی است که در این جهان طوری زندگی کند و لایف استایل زندگی خود را طوری تنظیم کند که خوف و حزن او به حداقل برسد. در بهشت که یک زندگی واقعی در آن برقرار است؛ مردم مشغولیتهای الکی و بی فایده ندارند بلکه همگی به امور مفید مشغولند (فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ) **اما در این دنیا مردم بیشتر به چیزهایی مشغولند که برای آنان خوف و حزن ایجاد میکند** (شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا)**.**

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ ﴿۵۵﴾
در این روز اهل بهشت کار و باری خوش در پیش دارند (۵۵)

در این دنیای فانی، بیشتر مردم مشغول امورات غیر مفید دنیوی هستند. فنگ شوئی یکی از این مشغولیتهای بی فایده و مضر است که مخالف کَبَد های نظام رحمانی است. بعضی از مردم هر ساله چیدمان خانه شان را عوض میکنند و اموالشان را در این راه هدر میدهند. کسی که خوف و حزن و نگرانی نداشته باشد، این کار را نمی کند. این جور مشغولیتها یک نوع وسواس و بیماری است، در حالی که بعضی ها آن را پیشرفت و رفاه میدانند. آنان به این طریق میخواهند حس سیر نشدنی رفاه مادی را در خود ارضا کنند. در حالی که ارضای حس مادی بدون رضایت معنوی امکان پذیر نیست.

در حالتی که انسانها خود را از سختی های نظام رحمانی محروم کنند و از آن فرار کنند، مشکلات غیر واقعی و اهداف غیر واقعی بوجود میاید. کسی که رنج و سختی های رحمانی را قبول نکند و پاس نکند، برده و عبد هر روشی میشود که این سختی ها را برایش بردارد. زیرا طبیعت و نظام رحمانی، نماد قدرت خداست و برداشتن آن هزینه های زیادی میخواهد.

معمولا هر کسی بنابه شرایط محیطی دچار سردرد و یا سرماخوردگی میشود. اما خیلی از مردم تحمل سختی آن را ندارند و شروع میکنند به خوردن انواع داروهای شیمیایی. نتیجه قطعی این روش، برده داروهای شیمیایی شدن است. اما اگر افراد داروهای شیمیایی مصرف نکنند و به توانایی های پایه ای بدن خویش متکی شوند؛ هم با نظام و طبیعت رحمانی انس می گیرند و هم اینکه هزینه های خیلی کمتری را متحمل میشوند. رنج ها و سختی های رحمانی ارزش تحمل کردن را دارند. تنها راه تحمل این نوع سختی ها، بالابردن هوش معنوی است. کسی که هوش معنوی بالایی ندارد، میگوید که چرا باید یک روز صبر کند تا سردردش خوب شود؛ او میگوید که با خوردن یک قرص، در طول چند دقیقه درد را از بین می برد. هوشهای معنوی بالا به این نکته پی برده اند که تحمل بعضی دردها، خودش یک نوع درمان است. تحمل کَبَدهای رحمانی اصل دارو و درمان است.

نسخه هر کسی در زندگی با دیگری فرق میکند. اما روشهای میانبر و غیر رحمانی، یک نسخه مشترک برای همه می پیچد. هوش معنوی پایین نسخه مشترک برای همه می نویسد. مثلا یکی در اینستاگرام، غذا و یا مد خاصی را استفاده میکند. دیگران از

او تقلید میکنند و فکر میکنند خوشبختی در این مد است. در حالی که در طریقت و لایف استایل زندگی، نسخه های مشترک بی معناست. نسخه های مشترک برای اقتصاد، زمانی مردم را به سمت تفکرات کمونیستی متمایل کرد. اکنون نیز در لایف استایل زندگی و طریقت زندگی نظام کمونیستی برقرار شده است. فقر معنوی، مردم را به استفاده از این نوع نسخه ها میکشاند. مردم در سبک زندگی کمونیستی شده اند و خلاقیت و ابتکار و منفرد بودن را از خود گرفته اند. برچسبهای قومی، فرقه ای، مذهبی، سیاسی؛ همگی یک نسخه اشتراکی و کمونیستی هستند که متکی به هوشهای مادی هستند و هوش معنوی در آنها نیست.

خدای مهربان برای هر فردی نسخه مربوط و مخصوص به او را می پیچد. خدا آنقدر قدرتمند است که برای هر کسی نسخه مخصوص به خودش را برایش می پیچد. به همین خاطر در قرآن، خدای عالمیان در مقام رب و تربیت کننده افراد، همیشه بصورت (ربّک، ربّکم) به کار برده میشود. ربک یعنی پرورش دهنده و رب تو. و این به آن معناست که قوانین و سختی های نظام رحمانی طوری چیده شده است که انگار خدا اختصاصا برای هر کسی کلاس آموزشی خصوصی گذاشته است. هر انسانی درمان مخصوص به خود را دارد و در واقع درمانگر اصلی ما خدای عالمیان است.

پروردگار و ربّ ماست که فرآیند درمان ما را می پیچد. علم پزشکی و روانپزشکی با نسخه های کلی میخواهند مردم را درمان کنند که این اشتباه است. اما متاسفانه انسانها در مقابل هدایتها و نسخه های خدا، جبهه گیری میکنند و حتی از آن متنفر میشوند. آنها فکر میکنند که خدای رحمان لذتهای دنیوی را از آنها می گیرد. وقتی دستورات

و نسخه خدای رحمان به آنها گفته شود و یادآوری شود، نسبت به آن جبهه می گیرند و اما وقتی دستورات بی معنی و خرافه غیر خدا ذکر شود؛ رو به آن می برند و آن را به کار می گیرند.

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴿۴۶﴾

و بر دلهایشان پوششها می نهیم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی [قرار می دهیم] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می کنند (۴۶)

حتی اگر نسبت به تربیت صحیح کسی اقدام کنید و او را به سمت معنویت صحیح راهنمایی کنید؛ بعد از مدتی نسبت به شما حس نفرت پیدا میکند. فقط خدای مهربان میتواند نسخه مشترک برای همه مردم بنویسد. خدای مهربان در قرآن یک سری توصیه ها نموده است که بطور کلی برای نفس واحده تمام انسانها صادق است و درمان است. زیرا انسانها در فاز معنوی و در سطح نفس همگی از یک نفس واحده آفریده شده اند(هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ **). اما در بقیه موارد هر انسانی با دیگری متفاوت است. بنابراین در فاز مادی و آموزش و تربیت، خدای مهربان به عنوان ربّ، ما را خصوصی تربیت میکند. ما با انجام دستورات خدا و اعتماد و توکل به او؛ در مسیر تعیین شده او قرار می گیریم. بنابراین با فرامین خدای رحمان باید همراه شویم و بدون ترس آن را اجرا کنیم تا خدا ما را تربیت کند و رشد دهد. در صورت عدم همراهی با تربیتهای خدای یگانه، نفس ما آموزش ناپذیر میشود. مثلا وقتی خدای**

مهربان نمازهای روزانه برای ما قرار داده است، یعنی در زمانهای مشخصی باید کار و خواب و سایر مشغله ها را رها کرد و نماز بجا آورد. اگر چه این کار سخت است ولی این سختی، جزو سختی های نظام رحمانی است و درمان دردهای روانی است. تحمل این سختی ها خودش لذت است.

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٨٩﴾

اوست آن كس كه شما را از نفس واحدى آفريد و جفت وى را از آن پديد آورد تا بدان آرام گيرد پس چون [آدم] با او [حوا] درآميخت باردار شد بارى سبك و [چندى] با آن [بار سبك] گذرانيد و چون سنگين‌بار شد خدا پروردگار خود را خواندند كه اگر به ما [فرزندى] شايسته عطا كنى قطعا از سپاسگزاران خواهيم بود (١٨٩)

خدا به هرکسی به اندازه و مقدار مشخصی روزی میدهد و این نوع تقسیم در راستای تربیت ماست. ما میتوانیم تلاش کنیم و ثروت بیشتری کسب کنیم ولی این هم باز محدودیتهایی دارد. درمان اصلی هر انسانی بسته به تربیت او دارد. هر کسی باید علت و دلیل بیماری و یا احساس فقر و کمبود خود را درک کند و نسخه مخصوص به خود را با توجه به دستورات رب و پروردگارش بپیچد و روش حل آن را با قلبش بپذیرد. به این طریق مردم قدر سلامتی و داشته های خویش را میدانند و گرنه استفاده از سایر روشها نوعی جادو است. فقر معنوی، بزرگترین بیماری مسری قرن حاضر

است. تنها مرضی که خدا خیلی زیاد در مورد آن حرف زده است، مرض قلب است. از همینجا مشخص میشود که تمام امراض و نارضایتی های دیگر از همین مرض ناشی میشوند. قلب یک کانورتر و مترجم معنوی بین جهان مادی و جهان معنوی است و این بنیاد هر انسانی است. در صورتی که قلب بیمار باشد، دیگر فرد وقایع جهان و حتی خودش را درک نمی کند و همه چیز را اشتباهی متوجه میشود. از همین جا انواع نیازهای کاذب و به تبع آن بیماریهای عجیب و غریب پیش خواهد آمد. نیاز کاذب ، بیماریهای ناشناحته پیش خواهد آورد. برخلاف باور عموم، بیماریهای معنوی همه گیرتر و مسری تر هستند و از بیماریهای جسمی خیلی خطرناکتر هستند. طوریکه بعد از مدتی بسیاری از مردم، خیلی از معناهای غلط را می پذیرند و به یک باور عمومی تبدیل میشود و این یکی از علامات آخر الزمان و آخر دوره ها است. در بیماری قلبی افکار سفیهانه به عنوان هوش معنوی قالب میشود. حرص، طمع، حسادت، حسرت همگی نتایج نسخه های بشری هستند که در جهان امروزی خیلی زیاد است. نسخه های بشری برای رهایی از این مشکلات، مشروبات الکلی، مخدرات، اسراف، خریدهای اضافی و ولگردی، آهنگها و فیلمهای آلفایی را پیشنهاد میدهد. اگر در اینترنت جستجو کنید، نسخه های بشری زیادی را می بینید که مثلا میگویند اگر ده چیز را رعایت کنید، غم ندارید و یا اگر سی مورد زیر را رعایت کنید، خیلی خوشبخت می شوید و از این نوع اشعار خیلی زیاد است. شعر نوعی نسخه کلی و اشتراکی است که مثل وحدت وجود، وجود تمام اعضاء را آلوده میکند. وحدت وجود یک نوع بیماری و نسخه مسری است.

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿۱۰﴾
در دلهایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزود و به [سزای] آنچه به دروغ می گفتند عذابی دردناك [در پیش] خواهند داشت (۱۰)

اتحاد اصلی بین افراد و امتها فقط زمانی میسر است که وقایع جهان را مشترک بفهمند و کانورتر معنوی آنها یکسان باشد و یا نزدیک به هم باشد. وقتی در یک جامعه همه مردم به ثروت های مادی به دیده زینت آلات موقت و فانی دنیوی نگاه کنند و همگی از ثروت فقط به عنوان یک وسیله موقت نگاه کنند؛ آن موقع میتوان آن جامعه را متحد نامید.

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۶۳﴾
و میان دلهایشان الفت انداخت که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج میکردی نمی توانستی میان دلهایشان الفت برقرار کنی ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت چرا که او توانای حکیم است (۶۳)

تمام بیماریها از بیماری قلب ناشی میشوند. اینجا منظور از قلب ، قلب فیزیولوژیکی نیست که خون را در بدن ما پمپاژ میکند؛ بلکه کانورتر (تبدیل کننده و مبدل) معنوی است. وقتی آدمیان هدف از زندگی را متوجه نشوند و ندانند که از کجا آمده ایم و به کجا می رویم و چه سرنوشتی در انتظارمان است؛ در آن صورت کانورتر و تبدیل

کننده معنوی آنان مشکل دارد. همین کانورتر معنوی طرز استفاده و توکل آنان را تغییر میدهد و از آن به بعد در نظام رحمانی و طبق قواعد آن نخواهند بود و به همین دلیل، دچار انواع فقر و بیماریهای دیگر خواهند شد. تمام بیماریهای دیگر از بیماری قلب ناشی میشوند. به همین خاطر خدای حکیم در قرآن از تنها مرضی که زیاد حرف زده است، مرض قلب است. خدا نه تنها از این مرض حرف زده است، بلکه از ازدیاد آن هم حرف زده است. یعنی کسی که قلبش بطرز درست، معنویات را نفهمد؛ مرضهایش بیشتر میشود. آنطور نیست که ثابت بماند. بطور قطع میتوان گفت که تمام امراض جسمی و غیر جسمی، فقر معنوی، نیازهای کاذب ، تغییر خلقت خدا، حتی فقر مادی از کانورتر معنوی غلط ناشی میشوند.

باید تمام کبدها و سختی های رحمانی را قبول کنید تا بتوانید به مرحله صبر و توبه برسید. همان کاری که ایوب انجام داد. خدا به ایوب توصیه فرمود که از توانایی های پایه ای خودت استفاده کن. حتی اگر امکانات زیاد باشد، دلیلی برای زیاده روی و اسراف نیست. حتی یک روز کامل بیکار بودی، باز باید به اندازه بخوابید و نباید در خواب زیاده روی کرد.

انسانها سختی های نظام رحمانی را برای خود به عنوان عذاب در نظر می گیرند. نور خورشید، سرما، گرما و ... را دشمن خود میدانند و این خودش غلط انداز است و آنان را وارد کانال خطرناکی میکند؛ طوریکه آنان نسبت به سختی های نظام رحمانی ناشکری و ناسپاسی میکنند و تمام سرمایه خود را جهت برداشتن این سختی های مفید هزینه میکنند و در نتیجه به حس تنفر نسبت به نظام رحمانی میرسند و در نهایت

به حس رضایت از نظام رحمانی نخواهند رسید. نفس انسان فقط وقتی وارد بهشت خواهد شد که به حس راضیه مرضیه رسیده باشد. زیرا تربیتی که خدا برایمان در نظر گرفته است، شامل یک سری سختی ها ست که باید تحملش کنیم و نسبت به آن رضایت داشته باشیم. بزرگترین بدبختی و جهالت انسان این است که برداشتن این سختی های رحمانی را رفاه میداند و در نتیجه نسبت به خدای رحمان بیگانه میشود.

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ای نفس مطمئنه (٢٧)

ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد (٢٨)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ و در میان بندگان من درآی (٢٩)

وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾ و در بهشت من داخل شو (٣٠)

تحمل سختی های نظام رحمانی، انسانها را به سمت بندگی خدای رحمان میبرد. در صورت تلاش برای برداشتن این سختی ها، بنده غیر خدا (مثل ثروت، مقام و ...) خواهید شد. تنها راه متقاعد کردن خود برای تحمل سختی های رحمانی این است که هوش معنوی خود را بالا ببریم. هوش معنوی آنقدر مهم است که باید از خدا بخواهیم که آن را به ما اعطا کند. کسی که هوش معنوی بالایی داشته باشد؛ بهترین نعمتی است که خدا به او داده است.

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۲۶۹﴾

(خدا) به هر کس که بخواهد حکمت می بخشد، و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است؛ و جز خردمندان، کسی پند نمی گیرد. (۲۶۹)

در مبحث درمان بیماری ایوب مطرح شد که سردی و مغتسل شدن با طبیعت و نظام رحمانی مهمترین روش درمان بیماریهاست و این البته برای درمان بیماریهای روانی هم صادق هست. بیشتر افرادی که دچار بیماری میشوند؛ خیلی به این دنیای فانی توکل میکنند و به آن دلخوش میکنند. دنیا باید به عنوان یک سردی بهش نگاه کنید و زیاد بهش دلخوش نکنید و فقط به خدا توکل کنید (فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ)**. اگر به غیر خدا توکل کنید؛ یعنی غیر خدا را به عنوان گرمی پذیرفته ای و در نتیجه یا بیمار جسمی میشوید و یا بیمار روانی. اگر به غیر خدا توکل کنید، آسیب پذیر میشوید، چه از نظر جسمی و چه از نظر روانی.**

اضطراب و استرس بیماریهایی هستند که خود بشر آن را درست کرده است. عدم وجود بعضی گرمی ها در زندگی، خیلی ها را دچار استرس و اضطراب کرده است و آنها بخاطر نداشتن یک سری گرمی ها، احساس بدبختی میکنند. این طرز تفکر اشتباه است.

در قسمتهای قبلی گفته شد که آخرین لایه انسان، لایه خاکی است که نشان میدهد که انسان باید خاکی باشد تا بتواند مثل ایوب با زمین مغتسل شود. مغتسل شدن با نظام و طبیعت رحمانی، سختی نیست و بلکه رحمت است. اجنه و شیاطین، لایه خاکی ندارند و آنان فقط شش لایه دارند. لایه خاکی مثل قرقره، به انسان در عبادات و

عبودیت کمک میکند. شیاطین که لایه خاکی را ننگ میدانستند؛ با آنکه هزاران سال بیشتر از انسان عمر میکنند؛ ولی هوش معنوی بسیار پایینی دارند و بجای هوش معنوی، کید بکار می برند و برای همیشه از درگاه خدا رانده میشوند.

١	کالبد مادی	جسم خاکی
٢		لایه ناری یا آتشی
٣		شعور و یا احساسی
٤		منطق و هوش
٥	کانورتر و رابط بین کالبد مادی و معنوی	قلب
٦	کالبد معنوی	نور
٧		نفس

اما بیشتر مردم برای خود لایه دیگری میسازند که امکان تماس با زمین و مغتسل شدن با آن را برای آنان را از بین می برد. این لایه ممکن است که اعمال جراحی زیبایی غیرضروری ، انواع داروها و قرصهای شیمیایی، مخدرات، مشروبات و ... باشد. اینها نوعی نقاب و ماسک هستند. بیشتر مردم ثروتشان را برای نقاب سازی و ماسک سازی بکار می گیرند و این نوع ثروت بسیار مضر است برایشان؛ زیرا برای مبارزه با نظام رحمانی استفاده میشود. افراد می گویند که من دکترم، من مهندسم، من حاجیم و ... تمام اینها نقابها و ماسکهایی هستند که جلو رشد مَنِ واقعی افراد را می گیرد. فرض کنید شما در یک جمع هستید؛ راحت حرف می زنید، راحت جابجا می شوید؛

اما به یکباره، یکی شما را حاجی و یا دکتر و یا مهندس و ... صدا می زند؛ در آن صورت دیگر نمی توانید خودتان باشید. انگار طلسم میشوید. تعریف طلسم همین است. اینجور نقابها و ماسکها، لایه دیگری و شبهه لایه ای برای انسان می سازد که جلو رشد معنوی انسانها را می گیرد.

جامعه از نقابداران انتظارات خاصی دارد که آنها را درگیر خود میکند و دیگر زمانی برای رشد نفس انسان نمی ماند. این نوع سیستم یک سیستم ضحاکی است که این جور نقابها و ماسکها مثل مار به جان آدمی می افتند.

از بچگی به کودک تلقین میکنند که تو دکتر شو، مهندس شو، ... شو تا پولدار شوی. این را مثل یک مار مخفی به جان بچه می اندازند و دیگر آن بچه، از نظر معنوی متوقف میشود و تمام فکر و ذکرش میشود پول. که اگر بعدا پول زیادی نداشته باشد و به آن نرسد، احساس شکست و نارضایتی میکند. این نوع سیستم یک نوع سیستم ضحاکی است که کنایه از یک مار مخفی در وجود هر انسانی دارد که این مار مخفی تغذیه لازم دارد. این مار مثل انگل تغذیه لازم دارد و دیگر افراد برای بدست آوردن این نوع تغذیه، از روشهای نا کار آمد و مصنوعی سازی هم استفاده میکنند.

از همینجا کارما پیش آمد و اختراع شد. جامعه ماسک زده، طبق قوانین کارما می چرخد و گرنه در نظام رحمانی، کارما خرافه ای بیش نیست. تنها گرمیی که انسان باید داشته باشد، خدای عالمیان است و به همین خاطر باید به فقط خدا توکل کنید. توکل کردن به خدا یعنی بقیه چیزها و بقیه افراد را برای خود سرد کنید. دل کندن

از غیر خدا ، خودش اصل درمان است. عده ای دنبال غیر خدا می افتند که به آنان آرامش دهد و یا درمانشان کند؛ ولی در واقع، درمان اصلی در دل کندن از غیر اوست. باید غیر خدا (هر کس میخواهد باشد) را برای خود سرد کنید و به آن خالق یکتا پناه ببرید.

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿۱۲﴾

و چرا بر خدا توکل نکنیم و حال آنکه ما را به راه هایمان رهبری کرده است و البته ما بر آزاری که به ما رساندید شکیبایی خواهیم کرد و توکل‌کنندگان باید تنها بر خدا توکل کنند (۱۲)